

فرياد من و سنبله
(دو حكايت نامه در يك نامه)

كتاب اول:

فرياد من

نويسنده: طاهر طالبى



نشر دستور

شماره شابک: ۹-۲۵-۶۷۲۷-۶۲۲-۹۷۸



نشر دستور

- فرهاد من و سنبله (دو حکایت نامه در یک نامه)
- نویسنده: طاهر طالبی
- نوبت چاپ: اول ● سال: ۱۳۹۹ ● قطع: رقعی (۲۹۶ صفحه)
- شماره آن: ۵ ● جلد: ۱ ● قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان
- صفحه: ۱ و ویراستار: فاطمه عطایی
- طرح جلد: فؤاد بنیامین: ۰۹۳۶۲۵۱۴۹۱۷
- چاپ و صحافی: چاپ ایران زمین
- شابک: ۹۷۸-۶۲۷-۶۷۰۷-۲۵-۹
- حق چاپ محفوظ است
- نشانی مشهد، صندوق پستی ۱۳۸۸-۱۸۹۵: تلفن: ۰۹۱۵۳۱۴۸۲۷
- شماره: ۰۵۱-۳۷۶۶۴۴۶۱ پیام‌نگار: dasturpress9@gmail.com
- نشانی وبگاه: dasturpress.com

سرشناسه:	طالبی، طاهر، ۱۳۲۴-
عنوان و نام پدیدآور:	فریاد من و سنبله (دو حکایت نامه در یک نامه) / طاهر طالبی.
مختصات نشر:	مشهد: دستور، ۱۳۹۹.
مختصات ظاهری:	۲۹۵ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
بروسه:	سلسله داستانهای معاصر فارسی؛ ۲۱.
شابک:	978-622-6727-25-9
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص [۲۹۴] - ۲۹۵؛ همچنین بصورت زیرنویس.
مندرجات:	ص. [۱۱] - ۹۷ کتاب اول: فریاد من - ص. [۹۸] - ۲۹۳ کتاب دوم: سنبله
عنوان دیگر:	سنبله.
موضوع:	داستانهای معاصر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع:	Short stories, Persian--20th century
موضوع:	شعر فارسی مجموعه ها
موضوع:	Persian Poetry -- Collection
رده بندی کنگره:	PIR ۸۳۵۲
رده بندی دیویی:	۸۳۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۶۱۵۰۲۸۸

آنچه در این کتاب می‌خوانیم:

عنوان

صفحه

کتاب اول: فریاد من

۱۲	مقدمه
۱۷	نام پیدا
۲۱	من و گل شمس
۲۶	حکایت
۲۷	حکایت
۲۸	حکایت
۲۹	حکایت
۳۱	حکایت
۳۳	حکایت
۳۵	آزادی خرمشهر
۳۸	حکایت
۴۳	حکایت
۴۳	حکایت
۴۴	حکایت
۴۴	آبجی مضطر
۴۹	حکایت
۵۰	حکایت

- ۵۱ حکایت
- ۵۵ حکایت
- ۵۹ کاخ سفید
- ۶۸ نامه آل و دلدار
- ۶۸ نامه یک دوشیزه اسیر به نامزدش
- ۷۰ نامه یک دختر به پدرش
- ۷۳ نامه یک اسیر به پسرش
- ۷۶ همسر عزیزم
- ۷۹ نامه به دخترم
- ۸۱ نامه یک جانباز از میدان جنگ به مادر خود
- ۸۳ نامه به همسر عزیزم
- ۸۴ نامه یک افسر «یک خلبان ایرانی»
- ۸۶ یادی از مرحوم جناب دکتر آذرهوش
- ۸۸ مادر من
- ۸۹ جهاد من
- ۹۴ ترانه
- ۹۴ ترانه
- ۹۵ ترانه
- ۹۶ صنما
- ۹۷ حکایت

کتاب دوم: سنبله

۹۹	پیشگفتار
۱۰۳	تقدیم‌نامه
۱۰۴	به یاد مؤثر نیکان، اولین فرماندهان
۱۰۵	حکایت شاهزادگان عربستانی
۱۰۷	حکایت زادگاه اردبیل
۱۱۹	حکایت
۱۲۱	حکایت آتش‌نشانان شهبازی
۱۲۵	هدیه گلنار
۱۲۹	حکایت
۱۳۲	حکایت سه کلاه
۱۳۷	حکایت
۱۳۹	حکایت زایشگاه
۱۴۲	حکایت گل و ماری جوانا
۱۴۴	حکایت داماد بچه نه‌نه
۱۴۷	حکایت عروس با مانیکور
۱۵۰	حکایت
۱۵۲	حکایت
۱۵۴	حکایت
۱۵۸	حکایت

۱۶۰		حکایت
۱۶۱		حکایت
۱۶۵		زفاف
۱۶۹		خانه پدری
۱۸۲		حکایت
۱۸۴		حکایت
۱۸۷		حکایت
۱۸۹		حکایت
۱۹۲		حکایت
۱۹۴		حکایت
۱۹۷		حکایت آن دبیر
۱۹۹		حکایت زن حامله
۲۰۱		حکایت چند شغل جدید با تهدید
۲۰۶		حکایت آن مرد غازی
۲۱۰		حکایت رمال و دلال
۲۱۴		حکایت مامان دوز
۲۲۰		حکایت طب سستی
۲۲۳		حکایت پیاز و نیاز
۲۲۵		حکایت پیران
۲۳۰		حکایت بلای گرانی و نگرانی از فضای مجازی

۲۳۴		حکایت خانم فالگیر با تنبور گفتارش مانند ساطور
۲۳۸		حکایت گربه و موش
۲۴۲		حکایت شیر و گربه
۲۴۸		حکایت دختر سیگاری
۲۵۲		حکایت شب عروسی
۲۵۵		حکایت پدیده با پسرش
۲۵۸		حکایت خسته با بانوان
۲۶۲		حکایت مشورت از زبان
۲۶۶		حکایت کارگران یافوت
۲۷۱		حکایت مرد فرنگی گردشگر
۲۷۵		حکایت خانم شین و نون
۲۷۸		حکایت مجری و مجرمی
۲۸۰		حکایت مرد کثافت با ظریف لطافت
۲۸۳		حکایت بی‌لالایی در شهر اهواز
۲۸۶		حکایت دختر خانم فرانسوی
۲۸۹		حکایت اطفال، مانند نقره و مهره
۲۹۴		فهرست منابع

مقدمه

ای عاشقان ای عاشقان آن کس که بپند روی او

شوریده گردد عقل او آشفته گردد خوی او

شاهان ملک و خوبان قراضه چین او

شیران زده دم بر زمین پیش سگان کوی او^۱

خدایا مرا یاری عارفان باری دارم سنگین کاری رنگین در ننگین، خاری

بیشمار و ننگین. در فصل شکستی ای نعل تشنگان ابری باشم بارنده در وصل

دیگر برای مسلولان آفتابی تابنده. با من سالم در شر بازنده در خیر برنده در فضل

ادب بی نقص و سازنده. آرایش من در میان بزه زار و لاله زار آرامش و آسایش

باشد. در طلب و حرص در پوشیدن طبقی از لباس آن سقی کنم.

مدت دراز است از باران شدید با خورشید ملایم در تاریکی و روشنی از یاران

رشد و مرید خود با خوراکی ترد گفتگوی و جستجوی دانشم. مراوت، شادابی و

لطافت نگاران و صیادان را بارها به مُتسبان، مُتخبان و صاحبان خرد، آهسته خُرد

خُرد پیوسته روایت کردم. در میان آنها آنچه را که آلوده است با خرد آلوده کنم.

آنگاه چشم خود را برای پیشواز به حُسن جمال «سُبُله» با کمال کامل بدرقه کتاب

فریاد من با ستارگان صرفه فرستادم همزمان با محاصره روستا با دزدان و دشمنان
بعثی عراقی، سگ باوفا پایش می‌لنگید مبارزه داشت صدای عوا را تا عوا به گوش
گاوچران می‌رسید. در بلند آسمان جایگاه رفیق من است مشاهده کرده معاهده بسته.
معایب معاینه را با تلاش و معاش نمایش دهد معاینه اطبا و اصفیا قرار گیرند. آیا از
بیماری است از بیگاری و بیکاری؟ یا از بی‌خوابی است یا بی‌تابی و بی‌آبی؟

خدایا، دعا از نیکان دعا از کرم تو می‌طلبم نه عصا، صفا و گل مینا از پلیدان دنیا
با لباس دینا و بخیر دعا

منشین یا بدان که محبت بد
گرچه پاکی تو را پلید کند!
مستی است در چهار دیوار من عداوت با گرفتار آمده‌ام. دیشب در عالم رؤیا
عدالت را ملاقات کردم. مکافات مرام منست. پاداش حلال و رحمت را فریاد
می‌زد. به همین سبب واجب آمد من نیز بشناسم خود را «فریاد من» نام نهادم، که
فریاد از دردمندان و مستمندان و ایام است که از بی‌لایسی بر حاجت آنها حاجب
باشد.

فصل بهار که بسی شادابی و خرمی دارد، هنگام شکرته‌ها و غنچه‌ها، من مزره
بی‌عدلی را همراه با عدم مدیریت با اجبار یک بار از جام بلند چشمم، پاییز
زودرس، خزان و برگ‌ریزان بر من حاصل گردید. آن تحمل را با دوش کشم.
گفتم این جان مرا گرد جهان چند کشی گفت هر جا که کشم زود بیا هیچ نگو
گفتم از هیچ نگویم تو روا می‌داری آتشی گردی و گویی که در آ هیچ مگو